

اسنادی درباره:



مصطفی بزرگ نیا

شانزدهم آذر



احمد قندچی



مهدی شریعت رضوی

۱۶ آذر روز هجوم گرازها به دست شقایق، روز دانشگاه و شهیدان دانشجو، امسال در شرایطی برگزار میشود که مبین ما به دورانی توفانی و پرتلاطم گام نهاده است.

۱۶ آذر اینک تنها یک خاطره دور نیست و روز نیست، مبعاد روز و لحظه است. سنتی است که هر روز جوانتر میشود و آگاهتر و دلیرتر به میان توده هامیرو تا تبدیل به عزم و نیرو شود و در آرمانهای خلقی شکست. بیست و چهار سال پیش در چنین روزی خون دو دانشجوی مرز توده‌های (مصطفی بزرگ نیا و مهدی شریعت رضوی) با خون شریف یک آزادخواه ملی (احمد قندچی) در صحن دانشگاه به خاک ریخت و به هم پیوست. در این پیوسته رمز و کنایت بود که همه آن تمام مبارزان بانک میزد. "حالا که در یک آتش و در یک سنگریذ، یکی شوید، از تن های بیستار و جمل از هم خود، تن حشربانگهای بسازید. پیروزی همکار یگانگی شماست."

و این صدای برآزرتج و عزم بس از ۲۴ سال نبرد پراکنده یا حقانیت بیشتر و ضرورت مقتدرتری در پهنای مبین ما ظنین انداز است:

"دشمن ما در میان ماست. اوجد ایسی ماست. (از نسوید، وابسته به حزب توده ایران، ویژه ۱۶ آذر ۱۳۵۶)

رژیم کودتا که علا نتوانست با اشغال دانشگاه بوسیله پلیس و ایجاد "گارد دانشگاه" جلوی این موج بر خاشکرا بگیرد، به حيله جدیدی دست زد و بعد از ۲۴ سال سکوت، وقایع دانشگاه را در مراسم "آغاز چهل و چهارمین سال تحصیلی" در حضور شاه و ملکنه

"صبح روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ شمسی (۲۵۱۲ شاهی - هنشاهی) ، هنگامیکه قوای انتظامی در دانشگاه مستقر بودند چند سرباز محافظ در کنار دانشکده فنی قدم میزدند . بنا به اظهار آنها چند نفر از دانشجویان داخل دانشکده با آنها بد رفتاری و بی احترامی میکنند . این افراد به دفتر معاونت دانشکده مراجعه مینمایند تا دانشجویانی که با آنها بد رفتاری کرده اند تحویل آنها بشوند . دانشکده از انجام این عمل خودداری میکند . بدستور معاونت دانشکده در حالیکه تنها نیمساعت از وقت کلاس گذشته بود زنگ تعطیل - کلاسها پسدادر میآید و دانشجویان مضطرب به محوطه دانشکده میآیند . سربازان وحشت زده میشوند : گروهی شروع به ایراد شعار مینمایند . آنگاه سربازان وحشت زده دست به تفنگ میزنند و سه نفر از دانشجویان سال اول دانشکده فنی که تنها چند ماه در دانشکده بودند کشته میشوند ."

(کیهان ، شنبه ۲ مهر ماه ۱۳۵۶)

واقعیت چه بود ؟

کودتای "سیاساخته" ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به امپریالیسم و ارتجاع داخلی این امید را بخشید که شاید بتوانند به آرزوی دیرین خود جامعه عمل ببوشانند و جنبش دانش و بس را در هم بشکنند . بلافاصله پس از کودتا عده زیادی از دانشجویان دستگیر و یازده دانشگاه اخراج شدند و از فعالیت قانونی و علمی "توسو" (سازمان دانشجویان دانشگاه تهران) جلوگیری شد . با اینهمه ، دانشجویان از همان فردای کودتا ، این توطئه ضد خلقی و ضد دانشجویی را محکوم کردند و آمادگی خود را برای ادامه پیکار در جنبش ضد رژیم کودتا اعلام داشتند . دانشجویان با تعطیل دانشگاه و شرکت در تظاهرات مردم تهران در ۲۱ آبان ماه ۱۳۳۲ علیه حکومت کودتا ، همبستگی خود را با هممیهنان خوشبختانه ثبوت رساندند . دانشگاه با شعارهای "نفی مال ماست" ، "دست نظامیان از دانشگاه کوتاه" ، "زنده باد آزادی" در اردوگاه خلق چون دژی تسخیر ناپذیر در برابر حملات امپریالیسم و ارتجاع مقاومت میکرد . چنانکه مشهور است "شعبان بی مخ" معروف ، که با اتفاق دیگر اوایسان در رباری در کودتای ۲۸ مرداد شرکت فعال داشت ، روز ۱۱ آبان به دانشگاه رفست و آشکارا در حضور دانشجویان و استادان فریاد زد :

"در این طویل را ببینید ."

پایبای اقدامات جنایت آمیز کودتا ، مقاومت مردم و دانشجویان ایران نیز ادامه یافت . در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ دانشجویان دانشگاه تهران شرکت خود را در اعتراضات مردم علیه تجدید روابط دیپلماتیک با بریتانیا و دعوت ریچارد نیکسون ، معاون رئیس جمهور وقت آمریکا اعلام داشتند . حکومت کودتا برای جلوگیری از این اعتراضات عده ای از نظامیان را برای اشغال دانشگاه فرستاد . نظامیان لشکر آزرهی بخصوص دسته جانباز در کمین نشسته بودند . بخشی از آنان با تفنگ و مسلسل وارد کلاسهای دانشگاه میشدند و دانشجویان را به زور از اتاق درس بیرون میکشیدند ، دانشکده فنی مورد توجه بیشتر نظامیان قرار گرفته بود ، گروه کثیری از آنان در ورودی دانشکده فنی را بسته و مانع از خروج دانشجویان میشدند . نظامیان با اسلحه وارد کلاس درس میشدند و دو نفر دانشجویان را به زور بیرون کشیدند و چون استاد مربوطه شدید به این عمل اعتراض کرد تفنگ را بسوی او گرفته و تهدید به مرگش کردند . مهندس شمس (استاد نقشه برداری) بلافاصله کلاس را بعنوان اعتراض ترک نمود و جریان را با اطلاع مهندس حنیلی رئیس دانشکده رساند . این عمل وحشیانه فرمانداری نظامی به گوش همه دانشجویان رسید ، کلاسها تعطیل شد و همه دانشجویان در سرسرای دانشکده تجمع و شروع به تظاهرات کردند . همینکه اولین شعار ضد کودتا از زبان دانشجویان در فضا طنین انداخت ، رگبار گلوله های مسلسل دانشجویان را بجاک افکند و دانشکده را از خون آنان گلگون کرد . سه تن جوان شجاع مبارز ، سه قهرمان ، سه چهره از یاد نرفتگی در خون غلتیدند و با وجود اصرار رئیس دانشکده ، اجازه حمل مجروحین به بیمارستان داده نشد . مهدی تربیت رضوی و مصطفی بزرگ نیای توده های و احمد قند - چی از هواداران جنبه ملی در کنار هم شهید شدند . روزهای ۱۷ و ۱۸ آذر مردم تهران با شرکت وسیع دانشجویان و دانش آموزان دبیرستانها به روابط دیپلماتیک با بریتانیا ، بازدید نیکسون و به ویژه بیرون رفتن متشانه نظامیان به دانشگاه و قتل سه دانشجوی مبارز به اعتراض خود ادامه دادند . دامنه اعتراض چنان وسیع بود که حکومت کودتا مجبور شد ظاهرا از عمل نظامیان "ابراز ندامت" و از بازماندگان شهیدان "دلجویی" کند . ولی بجه گواه بخشنامه محرمانه زیر که نخستین بار در "مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران چاپ شد ، ابراز "ندامت" و "دلجویی" از خانواده شهیدان چیزی جز ریاکاری و مردم فریبی نبود و در حقیقت درنده خوترین نظامیان از "پاداش خدی" و "تسویق" بهره مند شدند :

بخشنامه محرمانه

از لشکر ۲ زرهی

ستاد رکن ۲

شماره ۱۱۲۲ تاریخ ۲۰-۹-۲۱ خلیلی فوری - تهران

کلیه واحدها و دواثر تابعه لشکر :

در باره تسویق افسر و درجه داران ز افراد دسته جانباز

بفرموده (یعنی بفرموده بختیار فرمانده لشکر که انعکاس دهنده تعالی مستقیم شاه است) در اثر

جدیت و معالمتی که از افسران و درجه داران و سرایان دسته جانباز در مأموریت دانشگاه تهران در

روز دوشنبه ۱۶ ماه جاری مشاهده کردید گروهیان مربوطه کتبه به دریافت پاداش نقدی مفتخر و صفا

از تاریخ ۱۶-۹-۲۱ سه نفر از درجه داران متخرجه زیر دسته مزبور به درجه گروهیان دوم و چهار

نفر سرایان زیرین نیز به درجه سرجوخگی و صیغه مفتخر میسرند . فرماندهان مراتب را بکلیه افسران و

درجه داران و سرایان ابوابجمعی گوشزد و تذکر دهند همواره خدمات و جدیت و فعالیت افسران و

و درجه داران و سرایان منطور نظر بوده و بوقوع تسویق خواهند شد . بنا بر تشریح رهن بتم ستاد دستور

داده شد برای درج در دستور لشکری و انعکاس روی پرونده خدمتی افسر و درجه داران و سرایان

مزبور اقدامات لازمه را معمول و نتیجه را بعمده ای مربوطه ابلاغ نمایند .

رئیس ستاد لشکر ۲ زرهخانه مرکز

سرهنگ ستاد علیمحمد روحانی

رئیس رکن دوم ستاد لشکر ۲ زرهی مرکز سردرگ توپخانه علی غفوری

۱- ستوان بزم ستار سلیمان - تسویق در دستور لشکری

۱- گروهیان سه فصل الله فرجی ۲۵۰ ریال پاداش نقدی و درجه گروهیان دومی

۲- گروهیان سه محمد علی حاجی پور

۳- گروهیان سه عبدالعلی عزیزی ۲۵۰

۴- استوار ۲ علامعلی کاوسیانی

۵- گروهیان بزم علی خدادادی

۶- گروهیان ۳ محرمعلی بهرامی

۷- بهرام اعانی

۸- حسین صفائی

۹- صفی الدین صفائی

۱۰- حسین میرزا ابوالقاسمی

۱۱- بیوک منصوری

۱۲- سریار و صیغه فرج علامی ۱۰۰ ریال پاداش نقدی و درجه سرجوخگی

۱۳- عباسعلی سلطانی درجه سرجوخگی

۱۴- اسمعیل نادری

۱۵- احمد کسریعی

گرددگان : پادگان بی سیم - حشمیه - خدمات ناحیه - هنگ رزمی - هنگ تعلیماتی - گردان

۱۰۵ هویتزر - گردان ام ۴ - ام ۲۶ موتوری - مهندسی - محابرات - جمع آوری - شناسایی - بهداشت

دسته موزیک - آموزشگاه گروهیان - توپخانه ستاد تخصصی - موتوری - زرهی - فرار شاه و در بیان

رکن ۱ - ۲ - ۳ - دفتر ستاد

علیرغم حمله وحشیانه پلیس در آنروز، دانشجویان دانشگاه دست به اعتصاب یکپارچه زدند که تا بیست روز ادامه یافت و کنگره ششم اتحادیه بین‌المللی دانشجویان ایران به پیشنهاد نمایندگان "توسو" این روز را به عنوان روز جهانی همبستگی با مبارزات دانشجویان ایرانی اعلام کرد.

سخنگوی ساواک در مراسم گشایش چهل و چهارمین سال تحصیلی نه تنها واقعه ۱۶ آذر، بلکه گوشه دیگری از مبارزات دانشگاه را نیز تحریف کرد:

"در سال ۱۳۴۱ شمسی ۲۵۱۲ شاهنشاهی، بعد از صدور فرمان اصلاحات ارضی، گروهی بنام دانشجوی بر ضد اصلاحات ارضی شورش میکنند، اعتراض آنها با مداخله گروههای تربیت‌خاتمه مییابد و تعدادی

از اساتید و دانشجویان بی‌گناه مشروب و مجروح میشوند." (کیهان، شنبه ۲ مهر ۱۳۵۶)
اما به گواهی همه کسانی که ناظر واقعه بهبهمن ۱۳۴۰ (سخنگوی ساواک تاریخ واقعه را نیز تحریف کرده آنرا ۱۳۴۱ ذکر کرده است) دانشگاه بوده‌اند، سر در دانشگاه با شعار "اصلاحات آری - دیکتاتوری نه" تزئین شده بود و درست بخاطر مبارزه دانش‌جویان علیه دیکتاتوری محمدرضا شاه بود که چترسازان و "کماندوهای جانباخت" به دانشجویان حملهور شدند و مانند سربازان مغول کشتند و سوزاندند و خسراب کردند. بهتر است شرح واقعه را از نامه دکتر فرهاد، رئیس وقت دانشگاه به دکتر علی امینی نخست‌وزیر وقت بخوانیم:

نامه دکتر فرهاد

مستقیم خیلی فوری

جناب آقای نخست‌وزیر

بطوریکه با تلفن مرتباً گزارش وضع دانشگاه در پیش از ظهر امروز با اطلاع جنابعالی رسید بدون آنکه ضرورتی ایجاب نماید در ساعت یازده و ربع نظامیان از تهردها و درها داخل محوطه دانشگاه شده و دانشجویانی را که در محوطه دانشگاه بودند شدیداً مشروب کرده و بعدهای از آنها آسیب فراوان رسانیدند که بیم تلف شدن بعضی از آنان می‌رود.

در این ساعت که بنا بر دعوت قبلی در دفتر اینجانب قرار بود کمیسیون مالی تشکیل شود، این جانب و تمام روسای دانشکده‌ها از پنجره‌های مشرف به دانشگاه شاهد و ناظر رفتار نظامیان با دانشجویان بودیم. در بازدیدی که یک ساعت بعد از ظهر اینجانب با اتفاق روسای دانشکده از دانشگاه بعمل آورد مواجه با مناظری تیردید غیر قابل انتظار و بسیار دلخراش‌زیرا نظامیان در کلاسها و آزمایشگاه‌ها و کتابخانه بمشروب ساختن دانشجویان پسر و دختری که از اوضاع - ارج بیخبر و مشغول مطالعه کار بودند قناعت نکرده میکروسکوپها و ماشین‌های تحریر و سایر اسباب و لوازم را بزمین کوبیده می‌زها و قفسه‌ها را وارگون ساخته و درها و شیشه‌ها را شکسته‌اند. در بسیاری از سراسراها و راه پله‌ها حتی در کلاسها لخته‌های خون دانشجویان مشروب دیده میشود. بهداشتی دانشگاه نیز از این اعمال ناصواب مصون نمانده اثاثه آنجا را وارگون کرده بعلاوه طبق گزارش سرپرست و بر ستار آنجا مریضی را از تخت بزرگ کشیده و بیمار دیگر را از آمبولانس بخسرونت پائین آورد‌اند. و ضمناً سرپرست مزبور و پرستارها و همچنین کارکنان و اعضای دفتری دانشکده‌ها را شدیداً مورد ضرب قرار داده و سخت مجروح ساخته‌اند. همین عملیات در باشگاه و طبقه فوقانی آن که محل سکونت دانشجویان خارجی است جریان داشته است. هم اکنون عده زیادی از دانشجویان مجروح در بیمارستانهای دانشگاه بستری و تحت درمان هستند. اینجانب از طرف خود و عموم دانشگاهیان باین اعمال غیر انسانی شدیداً اعتراض و بهیمن جهت تقاضا دارد دستور رسیدگی برای تعیین مرتکبین صادر نمایند. البته تا اعلام نتیجه رسیدگی اینجانب و روسای دانشکده‌ها از ادامه خدمت در دانشگاه معذور خواهیم بود.

رئیس دانشگاه - دکتر فرهاد